

پایان عصر قولنامه و آغاز شفافیت در بازار املاک

مسئولان عالی‌رتبه قوه قضائیه، دولت و مجلس، اجرای قانون «الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» را یکی از تحولات بنیادین نظام حقوقی و اقتصادی کشور می‌دانند؛ قانونی که هدف آن پایان دادن به معاملات صوری، کاهش پرونده‌های ملکی و تضمین امنیت مالکیت مردم است. تصویب این قانون به‌ساور بسیاری از صاحب‌نظران، آغاز دوره‌ای تازه از نظم، شفافیت و اعتماد عمومی به بازار املاک خواهد بود.

■ ■ ■

برای دهه‌ها، اعتبار اسناد عادی یا همان قولنامه‌های دستنویس، عامل اصلی بی‌نظمی در بازار املاک و منبع حجم عظیمی از پرونده‌های قضایی در کشور بوده است. بسیاری از دعاوی مربوط به فروش مال غیر، جعل و معاملات صوری از همین اسناد غیررسمی ناشی می‌شدند. پژوهش‌های اندیشکده اپتان از سال ۱۳۹۳ تا مورد نشان داده که بیش از نیمی از پرونده‌های ملکی در محاکم قضایی ریشه در اعتبار اسناد عادی دارند. از همین رو، تصویب قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول در اردیبهشت ۱۴۰۳، پاسخی به یکی از کهنه‌ترین مشکلات نظام حقوقی کشور بود. این قانون که پس از سال‌ها بحث کارشناسی، بررسی‌های فقهی و نظر مساعد نهادهای عالی کشور تصویب شد، اکنون به مطالبه‌ای ملی برای اصلاح ساختار حقوق مالکیت و نظم ثبتی بدل شده است.

■ **از قولنامه تا سند رسمی**

اجرای این قانون به معنای دگرگونی بنیادین در مفهوم مالکیت است. از این پس تنها اسناد رسمی ثبت‌شده در دفاتر اسناد رسمی اعتبار قانونی خواهند داشت و هیچ بره که دستنویسی نمی‌تواند مبنای انتقال یادای مالکیت باشد، به‌گفته مسئولان قوه قضائیه، این تغییر نه‌صرفاً اصلاحی اداری، بلکه حرکتی برای تثبیت امنیت حقوقی شهروندان است. بسیاری از کلاهبرداری‌ها و درگیری‌های ملکی ناشی از نبود مرجع رسمی اعتباردهی به اسناد بوده است. با اجرای کامل این قانون، هر معامله‌ای باید در سامانه ثبت رسمی ثبت شود و تمام مراحل آن قابلیت رهگیری خواهد داشت. به این ترتیب، خبرداران و فروشندگان بااطمینان خاطر وارد معامله می‌شوند و اعتماد عمومی به سند رسمی به‌عنوان تنها معیار مالکیت افزایش می‌یابد. این اعتماد عمومی به‌گفته کارشناسان حقوقی، زرنیازی ارامش روانی و اقتصادی جامعه است. در کنار امنیت حقوقی، این قانون به کاهش سوءاستفاده‌های کمک می‌کند. پیش‌تر افراد می‌توانستند با در دست داشتن یک قولنامه دستنویس، برای ملکی چند بار معامله انجام دهند یا مالکیت را به چالش بکشند. اکنون هر گونه نقل و انتقال تنها با ثبت رسمی ممکن است و سیستم‌های الکترونیکی سازمان ثبت باافاصله اصالت ملک، وضیت ملک و سوابق معاملاتی را نمایش می‌دهند. به همین دلیل کارشناسان از این قانون به‌عنوان «پایان دوران قولنامه» یاد می‌کنند؛ دورانی که اغلب با بی‌اعتمادی، جعل و سردرگمی همراه بود.

■ **شفافیت اقتصادی و کاهش بار پرونده‌های قضایی**

یکی از ابعاد مهم قانون جدید، نقش آن در شفافسازی اقتصادی است. با ثبت رسمی تمام معاملات، گردش مالی و مالکیتی کشور به‌صورت نظاممند قابل ردیابی می‌شود. این شفافیت، همانگونه که معاونان قوه قضائیه و کارشناسان اقتصادی تأکید کرده‌اند، ابزاری مؤثر در مقابله با فرار مالیاتی، پولشویی و زمین‌خواری است. در شرایطی که اقتصاد ایران نیازمند نظم و انضباط اطلاعاتی است، ثبت رسمی معاملات می‌تواند بخش مسکن را از یک بازار غیرشفاف و گاه پنهان به بازاری قابل اعتماد و قابل اندازه‌گیری تبدیل کند.

از سوی دیگر، تأثیر این قانون بر نظام قضایی نیز بسیار چشمگیر خواهد بود. حجم عظیمی از پرونده‌های ملکی در سال‌های گذشته به دلیل تعارض بین اسناد رسمی و عادی شکل گرفته بود. مقامات قضایی در اظهارنظرهای رسمی گفته‌اند اجرای کامل این قانون می‌تواند ورودی پرونده‌های ملکی به محاکم را تا حدود ۶۰ درصد کاهش دهد. این کاهش نه‌تنها بار کاری دادگاه‌ها را سبک می‌کند، بلکه موجب صرفه‌جویی قابل توجه در منابع انسانی و مالی دستگاه قضایی خواهد شد. به تعبیر برخی مسئولان، هر سند رسمی که به‌درستی ثبت می‌شود، در واقع از شکل‌گیری چند پرونده قضایی یا آینده جلوگیری می‌کند.

همزمان مردم نیز از مزایای این نظم ثبتی بهره‌مند خواهند شد. دیگر کسی نمی‌تواند با سند جعلی یا قولنامه قدیمی حقوق مالکانه شهروندان را تهدید کند. در صورت بروز اختلاف، همه چیز در سامانه ثبت قابل پیگیری است و این امر نه‌تنها موجب تسریع در رسیدگی‌ها می‌شود، بلکه سطح اعتماد عمومی به عدالت قضایی را نیز بالا می‌برد. شفافیت حاصل از اجرای این قانون به تغییر کارشناسان، حلقه گمشده اقتصاد رسمی کشور در حوزه املاک است.

■ **گام مشترک برای حکمرانی هوشمند**

اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول تنها با همکاری همه‌جانبه نهادهای بهره‌گیری از فناوری ممکن است. سازمان ثبت اسناد، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، شهرداری‌ها و حتی وزارت ارتباطات باید سامانه‌های خود را به‌صورت یکپارچه به هم متصل کنند تا فرایند ثبت، استعلام، پرداخت و انتقال به‌صورت برخط انجام گیرد. این هماهنگی نهادهای از دید کارشناسان به معنای آغاز مرحله‌ای تازه از حکمرانی هوشمند است. در مرحله‌ای که در آن دولت می‌تواند تصویر دقیقی از دارایی‌ها، نقل و انتقالات و مالکیت در کشور داشته باشد.

مسئولان مجلس و دولت بر این باورند که این قانون در صورت اجرای کامل، علاوه بر ایجاد نظم حقوقی به یکی از پایه‌های تحول دیجیتال در نظام اداری ایران بدل خواهد شد. اتصال سامانه ثبت با بانک‌ها و دستگاه‌های مالی به شفافیت جریان پول و جلوگیری از فساد ساختاری کمک می‌کند. همچنین دسترسی آسان مردم از طریق پلتفرم‌های آنلاین به ثبت و استعلام املاک، گامی در جهت کاهش هزینه‌های مراجعه حضوری و افزایش کارآمدی اداری است. در این میان، اطلاع‌رسانی عمومی و آموزش شهروندان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هر قانونی بدون پذیرش و مشارکت مردم، به اجرا یا چالش می‌روهد. دولت و نظام قضایی است؛ پیوندی ثبت رسمی، از بروز مقاومت‌های فرهنگی و عادت‌های قدیمی جلوگیری خواهد کرد.

در نهایت، قانون جدید تنها یک مصوبه حقوقی نیست، بلکه نقشه راهی برای شفافیت اقتصادی، اعتماد عمومی و عدالت اجتماعی است. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که اگر این قانون با سرعت، دقت و همکاری نهادهای اجرا شود، می‌تواند یکی از موفق‌ترین اصلاحات ساختاری در دهه پیش‌رو باشد. در واقع، این قانون حلقه اتصال میان مردم، دولت و نظام قضایی است؛ پیوندی که بر پایه اعتماد متقابل و شفافیت شکل می‌گیرد. اکنون چشم جامعه حقوقی و اقتصادی کشور به مر حله اجرا دوخته شده است؛ مرحله‌ای که می‌تواند نظم تازه‌ای در بازار املاک ایجاد کند و ثمره سال‌ها تلاش کارشناسان و قانونگذاران را به بار بنشاند.

سیاست پادشکنندگی به‌جای تاب‌آوری منفعل بر رشد در دل بحران تأکید دارد، به این معنا که ساختار اقتصادی در برابر شوک‌ها نه تنها نمی‌شکند، بلکه خود را باز آفرینی می‌کند و نیرومندتر از قبل بازمی‌گردد. در همین راستا، تمرکز بر جذب سرمایه از کشورهای دوست و همسایه نظیر چین، روسیه، تاجیکستان، افغانستان و ترکیه، به معنای ساخت یک زنجیره همکاری اقتصادی مستقل از نظام غربی است که بتواند مسیر رشد پایدار را برای ایران فراهم آورد.

■ ■ ■

در شرایطی که اقتصاد ایران بار دیگر با فعال‌سازی آنچه موسوم به مکانیسم ماشه از سوی غرب مواجه شده است و فشارهای سیاسی و اقتصادی برای انزای کشور شدت یافته، وزارت اقتصاد رویکردی متفاوت و راهبردی را در پیش گرفته است. نخستین اقدام این وزارتخانه در پاسخ به این شرایط، تمرکز بر توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه و اعضای بریکس و بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور بوده است.

این تصمیم، در واقع آغاز رویکردی تازه در دیپلماسی اقتصادی ایران است. وزارت اقتصاد با تکیه بر سیاست پادشکنندگی و عبور از چارچوب‌های سنتی تلاش کرده است سازوکاری طراحی کند که تحریم و فشار، نه موجب رکود، بلکه عامل تحک و بازسازی ساختارهای اقتصادی کشور شود. پادشکنندگی به‌جای تاب‌آوری منفعل بر رشد در دل بحران تأکید دارد، به این معنا که ساختار اقتصادی در برابر شوک‌ها نه تنها نمی‌شکند، بلکه خود را باز آفرینی می‌کند و نیرومندتر از قبل بازمی‌گردد. در همین راستا، تمرکز بر جذب سرمایه از کشورهای دوست و همسایان خاطر وارد معامله می‌شوند و اعتماد عمومی به سند رسمی به‌عنوان تنها معیار مالکیت افزایش می‌یابد. این اعتماد عمومی به‌گفته کارشناسان حقوقی، زرنیازی ارامش روانی و اقتصادی جامعه است. در کنار امنیت حقوقی، این قانون به کاهش سوءاستفاده‌های کمک می‌کند. پیش‌تر افراد می‌توانستند با در دست داشتن یک قولنامه دستنویس، برای ملکی چند بار معامله انجام دهند یا مالکیت را به چالش بکشند. اکنون هر گونه نقل و انتقال تنها با ثبت رسمی ممکن است و سیستم‌های الکترونیکی سازمان ثبت باافاصله اصالت ملک، وضیت ملک و سوابق معاملاتی را نمایش می‌دهند. به همین دلیل کارشناسان از این قانون به‌عنوان «پایان دوران قولنامه» یاد می‌کنند؛ دورانی که اغلب با بی‌اعتمادی، جعل و سردرگمی همراه بود.

■ **شفافیت اقتصادی و کاهش بار پرونده‌های قضایی**

یکی از ابعاد مهم قانون جدید، نقش آن در شفافسازی اقتصادی است. با ثبت رسمی تمام معاملات، گردش مالی و مالکیتی کشور به‌صورت نظاممند قابل ردیابی می‌شود. این شفافیت، همانگونه که معاونان قوه قضائیه و کارشناسان اقتصادی تأکید کرده‌اند، ابزاری مؤثر در مقابله با فرار مالیاتی، پولشویی و زمین‌خواری است. در شرایطی که اقتصاد ایران نیازمند نظم و انضباط اطلاعاتی است، ثبت رسمی معاملات می‌تواند بخش مسکن را از یک بازار غیرشفاف و گاه پنهان به بازاری قابل اعتماد و قابل اندازه‌گیری تبدیل کند.

از سوی دیگر، تأثیر این قانون بر نظام قضایی نیز بسیار چشمگیر خواهد بود. حجم عظیمی از پرونده‌های ملکی در سال‌های گذشته به دلیل تعارض بین اسناد رسمی و عادی شکل گرفته بود. مقامات قضایی در اظهارنظرهای رسمی گفته‌اند اجرای کامل این قانون می‌تواند ورودی پرونده‌های ملکی به محاکم را تا حدود ۶۰ درصد کاهش دهد. این کاهش نه‌تنها بار کاری دادگاه‌ها را سبک می‌کند، بلکه موجب صرفه‌جویی قابل توجه در منابع انسانی و مالی دستگاه قضایی خواهد شد. به تعبیر برخی مسئولان، هر سند رسمی که به‌درستی ثبت می‌شود، در واقع از شکل‌گیری چند پرونده قضایی یا آینده جلوگیری می‌کند.

همزمان مردم نیز از مزایای این نظم ثبتی بهره‌مند خواهند شد. دیگر کسی نمی‌تواند با سند جعلی یا قولنامه قدیمی حقوق مالکانه شهروندان را تهدید کند. در صورت بروز اختلاف، همه چیز در سامانه ثبت قابل پیگیری است و این امر نه‌تنها موجب تسریع در رسیدگی‌ها می‌شود، بلکه سطح اعتماد عمومی به عدالت قضایی را نیز بالا می‌برد. شفافیت حاصل از اجرای این قانون به تغییر کارشناسان، حلقه گمشده اقتصاد رسمی کشور در حوزه املاک است.

■ **گام مشترک برای حکمرانی هوشمند**

اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول تنها با همکاری همه‌جانبه نهادهای بهره‌گیری از فناوری ممکن است. سازمان ثبت اسناد، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، شهرداری‌ها و حتی وزارت ارتباطات باید سامانه‌های خود را به‌صورت یکپارچه به هم متصل کنند تا فرایند ثبت، استعلام، پرداخت و انتقال به‌صورت برخط انجام گیرد. این هماهنگی نهادهای از دید کارشناسان به معنای آغاز مرحله‌ای تازه از حکمرانی هوشمند است. در مرحله‌ای که در آن دولت می‌تواند تصویر دقیقی از دارایی‌ها، نقل و انتقالات و مالکیت در کشور داشته باشد.

مسئولان مجلس و دولت بر این باورند که این قانون در صورت اجرای کامل، علاوه بر ایجاد نظم حقوقی به یکی از پایه‌های تحول دیجیتال در نظام اداری ایران بدل خواهد شد. اتصال سامانه ثبت با بانک‌ها و دستگاه‌های مالی به شفافیت جریان پول و جلوگیری از فساد ساختاری کمک می‌کند. همچنین دسترسی آسان مردم از طریق پلتفرم‌های آنلاین به ثبت و استعلام املاک، گامی در جهت کاهش هزینه‌های مراجعه حضوری و افزایش کارآمدی اداری است. در این میان، اطلاع‌رسانی عمومی و آموزش شهروندان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا هر قانونی بدون پذیرش و مشارکت مردم، به اجرا یا چالش می‌روهد. دولت و نظام قضایی است؛ پیوندی ثبت رسمی، از بروز مقاومت‌های فرهنگی و عادت‌های قدیمی جلوگیری خواهد کرد.

در نهایت، قانون جدید تنها یک مصوبه حقوقی نیست، بلکه نقشه راهی برای شفافیت اقتصادی، اعتماد عمومی و عدالت اجتماعی است. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که اگر این قانون با سرعت، دقت و همکاری نهادهای اجرا شود، می‌تواند یکی از موفق‌ترین اصلاحات ساختاری در دهه پیش‌رو باشد. در واقع، این قانون حلقه اتصال میان مردم، دولت و نظام قضایی است؛ پیوندی که بر پایه اعتماد متقابل و شفافیت شکل می‌گیرد. اکنون چشم جامعه حقوقی و اقتصادی کشور به مر حله اجرا دوخته شده است؛ مرحله‌ای که می‌تواند نظم تازه‌ای در بازار املاک ایجاد کند و ثمره سال‌ها تلاش کارشناسان و قانونگذاران را به بار بنشاند.

زنجیره همکاری مستقل از نظام غرب لازمه رشد اقتصادی است

عبور از چارچوب‌های سنتی اقتصادی باراهبرد «پادشکنندگی»

تمرکز بر توسعه روابط با همسایگان و جذب سرمایه‌گذار خارجی در پاسخ به آنچه به سازوکار ماشه مرسوم است، ضرورت دارد



تمرکز بر کشورهای منطقه، عضویت فعال در سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای و استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و صنعتی ایران همگی در جهت تبدیل فشارهای خارجی به فرصتی برای اصلاح درونی اقتصاد کشور است

به خصوص با کشورهای همسایه است که بسیاری از افراد، سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها به دنبال کسب سود و منفعت در بازار بزرگ ایران و حتی سرمایه‌گذاری برای صادرات هستند، بنابراین تمرکز بر کشورهای همسایه و توسعه همکاری‌ها در این زمینه گامی مهم در راستای خنثی‌سازی تحریم‌هاست.

همچنین سعید رحمت‌زاده دیگر عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: «تلاش‌های صورت گرفته، از جمله سفرهای آقای وزیرشکبان و حضور وزیر اقتصاد در جهت توسعه همکاری با تاجیکستان و تقویت همکاری‌های گمرکی و ایجاد مناطق مشترک آزاد، نشان‌دهنده اهتمام دولت به توجه به بازارهای کشورهای همسایه است که هم منجر به افزایش درآمدزایی و هم رشد سرمایه‌گذاری خارجی خواهد شد. هر یک از کشورهای همسایه دارای ظرفیت‌های ویژه‌ای هستند که می‌توانیم از آنها بهره‌برداری کنیم. در این راستا، تمرکز بر بازار عمومی کشورها همسایه به عنوان هدف اصلی دیپلماسی اقتصادی ما مطرح شده است.»

در همین راستا در بسته جذب سرمایه‌گذار خارجی ارائه شده از سوی وزارت اقتصاد، سیاست جذب سرمایه خارجی در ایران مبتنی بر هر کشور و مزیت‌های نسبی کشور نسبت به همسایگان بوده و پس از توافقات منطقه‌ای در چارچوب سازمان همکاری شانگهای و بریکس، زمینه برای استفاده از ظرفیت سرمایه‌گذاری کشورهای عضو فراهم شده است. در این راستا با انجام اقدامات موردنیاز از جمله تسهیل خدمات گمرکی به سرمایه‌گذاران خارجی و راهاندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، می‌توان از فشار حداکثری غرب علیه اقتصاد ایران عبور و به این ترتیب، زمینه رشد اقتصادی در دل بحران را فراهم کرد.



و کاهش وابستگی به نفت است.

تمرکز بر کشورهای منطقه، عضویت فعال در سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای و استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و صنعتی ایران همگی در جهت تبدیل فشارهای خارجی به فرصتی برای اصلاح درونی اقتصاد کشور است. این همان معنای واقعی پادشکنندگی است؛ رشد در دل بحران و توسعه در دل تحریم. اکنون که غرب در پی انزای اقتصادی ایران است، سیاست هوشمندانه وزارت اقتصاد نشان می‌دهد مسیر آینده کشور نه به سبب تحریم‌ها، بلکه در تبدیل محدودیت‌ها به موتور رشد ملی تعریف می‌شود. اگر این روند با حمایت سیاست‌های کلان دولت و مشارکت بخش خصوصی ادامه یابد، می‌توان گفت اقتصاد ایران در آستانه ورود به مرحله‌ای نو از استقلال و پویایی پایدار قرار گرفته است. مصطفی مطورزاده، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به اشاره به سفر وزیر اقتصاد به تاجیکستان و رویکرد جدید در بسته تعریف شده از سوی وزارت اقتصاد در راستای جذب سرمایه‌گذار خارجی با تمرکز بر کشورهای همسایه خاطر نشان کرد: «یکی از اصول مهم تجارت خارجی، توسعه همکاری‌های دو یا چند جانبه

برای تبدیل تهدیدهای خارجی به فرصت توسعه داخلی است.

از سوی دیگر، وزارت اقتصاد در همین چارچوب گام مهمی برای گسترش تعاملات فرامرزی در حوزه‌های صنعتی و تجاری برداشته است. سفر وزیر اقتصاد در رأس هیئتی به مجمع بین‌المللی سرمایه‌گذاری تاجیکستان نمونه بارز این رویکرد است. تاجیکستان به عنوان کشوری فارسی‌زبان و دارای پیوندهای فرهنگی و تاریخی با ایران می‌تواند نقش مهمی در اتصال ایران به مسیر ترانزیتی چین و آسیای مرکزی ایفا کند. سرمایه‌گذاران تاجیک نیز در مذاکرات اخیر علاقه‌مندی خود را برای سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع غذایی، شیمیایی و پزشکی ابراز کرده‌اند؛ صنایعی که بخش عمده‌ای از واردات تاجیکستان را تشکیل می‌دهند و ایران در آنها دارای مزیت نسبی است. همکاری اقتصادی ایران و تاجیکستان علاوه بر افزایش صادرات غیرنفتی می‌تواند به افزایش درآمدهای گمرکی و ایجاد جریان پایدار بوجه از طریق گسترش ترانزیت کالاها یچینی از مسیر ایران منجر شود. این امر، گامی بلند در جهت تحقق سیاست کلان تنوع‌بخشی به منابع درآمدی کشور

باشد. تمرکز بر کشورهای منطقه، عضویت فعال در سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای و استفاده از مزیت‌های ترانزیتی و صنعتی ایران همگی در جهت تبدیل فشارهای خارجی به فرصتی برای اصلاح درونی اقتصاد کشور است. این همان معنای واقعی پادشکنندگی است؛ رشد در دل بحران و توسعه در دل تحریم. اکنون که غرب در پی انزای اقتصادی ایران است، سیاست هوشمندانه وزارت اقتصاد نشان می‌دهد مسیر آینده کشور نه به سبب تحریم‌ها، بلکه در تبدیل محدودیت‌ها به موتور رشد ملی تعریف می‌شود. اگر این روند با حمایت سیاست‌های کلان دولت و مشارکت بخش خصوصی ادامه یابد، می‌توان گفت اقتصاد ایران در آستانه ورود به مرحله‌ای نو از استقلال و پویایی پایدار قرار گرفته است. مصطفی مطورزاده، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به اشاره به سفر وزیر اقتصاد به تاجیکستان و رویکرد جدید در بسته تعریف شده از سوی وزارت اقتصاد در راستای جذب سرمایه‌گذار خارجی با تمرکز بر کشورهای همسایه خاطر نشان کرد: «یکی از اصول مهم تجارت خارجی، توسعه همکاری‌های دو یا چند جانبه

برای تبدیل تهدیدهای خارجی به فرصت توسعه داخلی است.

■ **تصویب مجوز سرمایه‌گذاری ۷ پروژه سرمایه‌گذاران همسایه**

در همین چارچوب، در نخستین جلسه سازمان سرمایه‌گذاری خارجی پس از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، هفت طرح سرمایه‌گذاری خارجی به ارزش ۶۶۶ میلیون دلار با محوریت سرمایه‌گذاران کشورهای چین، روسیه، امارات متحده عربی، ترکیه و افغانستان به تصویب رسید. این طرح‌ها در بخش‌های خودروسازی، معدنی، کشاورزی، دارویی، بهداشتی، مسکن و خدمات صنعتی تعریف شده‌اند و نشان‌دهنده عزم جدی دولت



کندی عملکرد دولت در واردات ۷ هزار مگاوات برق خورشیدی

خاموشی‌های مجدد راه است؟

صورت می‌گیرد. وزیر نیرو، عباس علی‌آبادی در این راستا گفت: روند راه‌اندازی نیروگاه‌های خورشیدی به‌صورت هفتگی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ مگاوات ادامه خواهد یافت و تا پایان سال ۵ هزار مگاوات جدید افزوده می‌شود که با ظرفیت موجود، این عدد به ۷ هزار مگاوات می‌رسد.

تصویب شده و به تازگی قرارداد سه‌جانبه بین بانک مرکزی، صندوق توسعه ملی و سازمان ساتبا برای آغاز اجرای آن به امضا رسیده است.

مسئولان وزارت نیرو و ساتبا اعلام کرده‌اند اجرای این طرح با شتاب ویژه دنبال خواهد شد و تأمین مالی آن از منابع صندوق توسعه ملی و مشارکت بخش خصوصی

■ **وقتی وعده وزارت نیرو در دام دیوان‌سالاری می‌افتد**

در حالی که طبق برنامه وزارت نیرو قرار بود بخش عمده تجهیزات خورشیدی وارداتی از چین تا پایان سال جاری وارد کشور و در طرح‌های نصب در استان‌های مستعد استفاده شود، گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که فرایند واردات و ترخیص کالا از گمرک و انجام تشریفات اداری به‌شدت زمانبر و پیچیده شده است. به گفته فعالان بخش خصوصی، روند صدور مجوزها - ثبت سفارش‌ها به‌دلیل تعدد نهادهای تصمیم‌گیر - از جمله وزارت صمت، گمرک، بانک مرکزی - به‌شدت زمانبر شده و «در برخی موارد بیش از سه ماه طول می‌کشد». این در حالی است که طبق اعلام سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق، مقرر بوده است تجهیزات وارداتی در کمتر از ۴۵ روز کاری از زمان ورود به بندر، ترخیص و برای نصب به پیمانکاران تحویل داده شود. اما در عمل میانگین زمان ترخیص اکنون به ۱۰۰ تا ۱۲۰ روز رسیده است. علیرضا احمدی، نژاد، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در اینباره گفت: نصب در جنوب کشور شده است. اگر این وضعیت ادامه بگیرد، هدف وزارت نیرو برای رسیدن به ظرفیت ۷ هزار مگاوات تا پایان سال محقق نخواهد شد. ■ **با این روند، منتظر خاموشی‌ها در تابستان بعدی باشید**

تجربه خاموشی‌های گسترده در تابستان‌های اخیر

نشان داده در مدیریت بحران برق، زمان مهم‌تر از هر عامل دیگر است. بر اساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، خسارت روزانه ناشی از قطعی برق برای بخش صنعت کشور حدود ۹ هزار و ۲۱۸ میلیارد تومان برآورد می‌شود؛ عددی که نشان می‌دهد هر روز تأخیر در اجرای طرح‌های توسعه‌ای، هزینه‌ای سنگین برای تولید و اشتغال دارد. این در حالی است که طبق اعلام وزارت نیرو، مصرف برق کشور در تابستان ۱۴۰۳ به مرز ۷۰ هزار مگاوات رسید - افزایشی بیش از ۱۰ درصد نسبت به سال قبل - و احتمالاً در تابستان ۱۴۰۵ نیز رکورد تازه‌ای ثبت خواهد شد.

در چنین شرایطی، اقدام فوری برای تسریع در اجرای طرح ۷ هزار مگاواتی برق خورشیدی نه‌فقط ضرورتی فنی، بلکه یک الزام اقتصادی و اجتماعی است. همانطور که پیش از این برخی کارشناسان هشدار داده‌اند «در صورت فشار آمدن به شبکه انتقال برق در فصل گرما، احتمال Black Out وجود دارد.» اینها این وضعیت را نتیجه تأخیرهای اداری و نبود هماهنگی بین نهادهای مسئول دانسته‌اند. اگر روند فعلی در ترخیص تجهیزات و تخصیص ارز ادامه یابد، هدفگذاری وزارت نیرو برای افزایش ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر در سال آینده محقق نخواهد شد. گزارش‌ها به روشنی نشان می‌دهد گرهم‌های اداری و کندی تصمیم‌گیری وزارت نیرو و گمرکات، بزرگ‌ترین مانع در مسیر تحقق اهداف انرژی پاک کشور هستند. اگر این موانع فوری برطرف نشوند، تابستان ۱۴۰۵ می‌تواند بار دیگر صحنه خاموشی‌های گسترده و فشار مضاعف بر شبکه برق ایران باشد.

یونس الکعبی، مدیرعامل سابق راه‌آهن عراق:

خط ریلی شلمچه – بصره، زمینه‌ساز همکاری دوجانبه و توسعه منطقه‌ای است

سبب شده است پروژه مراحل رشد را طی کند.

در پایان مدیرعامل سابق راه‌آهن عراق با اشاره به ضرورت استفاده از ظرفیت فنی ایران برای توسعه ریلی عراق گفت: وزارت راه عراق نیز باید سطح امکانات ریلی و خدمات شلمچه - بصره به یکدیگی، یلی خود را در زمینه سفرهای باری افزایش دهد. ظرفیت خوب و سابقه طولانی جمهوری اسلامی ایران از زمینه توسعه شبکه ریلی در سالیان اخیر می‌تواند به دولت عراق در راستای توسعه شبکه ریلی کمک شایانی کند. به گزارش جوان، با توجه به رشد تجارت و تردد میان ایران و عراق پس از سقوط رژیم بعث عراق، مسئولان دو کشور از دو دهه پیش به دنبال اتصال ریلی به‌ویژه از طریق شلمچه - بصره بوده‌اند. با وجود اینکه خط ریلی شلمچه - بصره تنها به ۳۳ کیلومتر ریل، ۱۶ کیلومتر میزنوبی و احداث یک پل بازشو ۸۰۰ متری روی شط العرب نیاز دارد اما نواقعی فراز متعدد هنوز سبب تکمیل این پروژه نشده است.

برای ایران و عراق قابل توجه است.

یونس الکعبی با اشاره به مخالفت‌های سیاسی برخی افراد و جریان‌های سیاسی در عراق به عنوان یکی از موانع تکمیل پروژه خط ریلی شلمچه - بصره گفت: یکی از مهم‌ترین موانع انجام این پروژه، مخالفت‌های سیاسی و حساسیت‌هایی بوده که در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است. افرادی که با این پروژه مخالفت می‌کنند، اعتقاد دارند که خط ریلی شلمچه - بصره سبب حروقت شدن بندر عراق به‌ویژه بندر فاو می‌شود. این در حالی است که این مخالفت‌ها هیچ دلیل موجهی ندارند، چراکه پروژه خط ریلی شلمچه - بصره صرفاً راهی برای ارتباط ریلی ایران و عراق است و بندر عراق به میزانی رشد کرده‌اند که با تکمیل این پروژه تحت تأثیر قرار نگیرند. با این حال همچنان برخی افراد در خارج و داخل عراق به دنبال این هستند این پروژه به موفقیت نرسد به گونه‌ای که حتی در داخل ایران هم یکسری مخالفت‌ها در راه انجام این پروژه صورت گرفته، اما پافشاری دو کشور

این کار قراردادی با یک شرکت ایرانی منعقد شده و مین روبی با سرعت بسیار خوبی در حال اجراست و حدوداً تا دو ماه آینده به اتمام می‌رسد. پس از اتمام مین روبی نیز عملیات ساخت ریل توسط شرکت اسپانیایی آغاز می‌شود.

وی در مورد مزایای این پروژه برای دو کشور نیز افزود: در نتیجه تکمیل اتصال ریلی بین دو کشور، صنعت گردشگری رشد کرده‌ودر نتیجه درآمدهای ملی دو کشور افزایش خواهد یافت. این اتصال نه تنها سبب افزایش سفر مردم ایران و عراق به کشورهای یکدیگر می‌شود، بلکه مردم کشورهای همجوار ایران را که از مذاهب مختلف اسلامی هستند به سفر ریلی به عراق ترغیب می‌کند. اتصال ریلی شلمچه - بصره حتی می‌تواند با تبدیل ایران و عراق به عنوان گذرگاه مواصلاتی، ارتباط ریلی کشورهای مسلمان (پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، آذربایجان و ترکمنستان) را با عربستان برای زیارت مکه و مدینه فراهم کند. این موضوع از ابعاد اقتصادی و سیاست منطقه‌ای

خط ریلی شلمچه - بصره گفت: سالانه بین ۵ تا ۷ میلیون مسافر بین ایران و عراق تبادل می‌شوند و دو ملت دوست دارند میزان سفرها افزایش پیدا کند. ایجاد سهولت در این حجم تردد، نیازمند توسعه وسایل حمل و نقل به‌ویژه حمل و نقل ریلی است، چراکه همه مردم توان استفاده از هواپیما به دلیل بالا بودن هزینه راننداز و استفاده از قطار می‌تواند این هزینه را کاهش دهد. همچنین بودجه مورد نیاز این پروژه نیز مطابق ردیف بودجه ۲۰۲۳ عراق تأمین و تخصیص داده شده است.

الکعبی در مورد روند انجام پروژه اتصال ریلی شلمچه - بصره و قسمت‌های باقیمانده آن نیز افزود: دو بخش پروژه باقی‌مانده است؛ بخش اول، احداث پل روی شط العرب برای اتصال به شرق بصره که مسئولیت ساخت آن با طرف ایرانی است که با پیشرفت خوبی در حال انجام است. بخش دوم پروژه که مقداری با چالش مواجه شده، مین روبی ۱۶ کیلومتر در خاک عراق است که ایران و عراق به صورت مشترک آن را پیش می‌برند. برای انجام